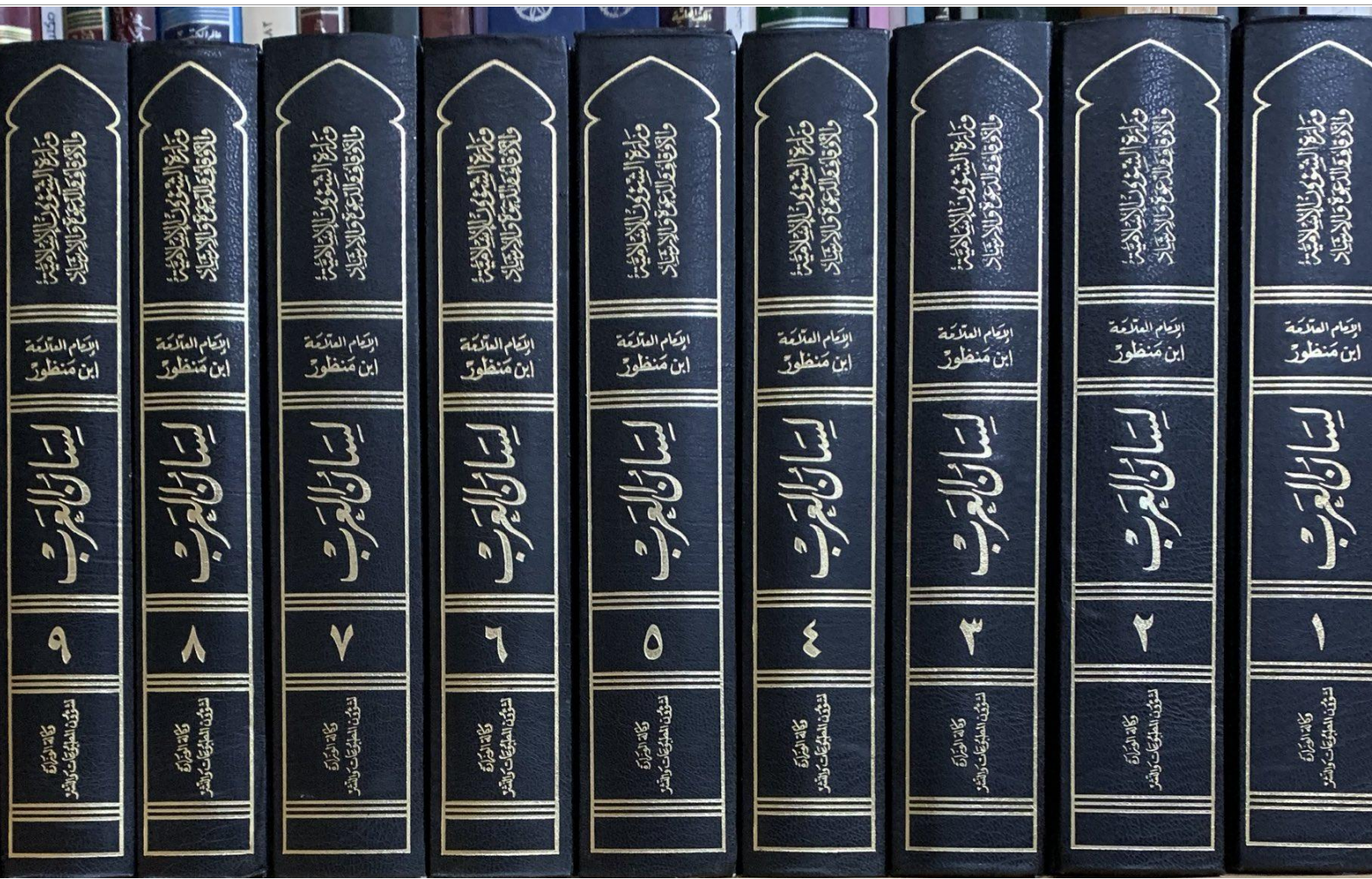


نقد رویکرد بی‌نظم و التقاطی به سنت نبوی؛

محمد شحرور و عدنان ابراهیم به عنوان نمونه (۳)

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می‌کند؟

شریف محمد جابر | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟

در قسمت اول برنامه «النبأ العظيم» که از شبکه «روتانا الخلیجیه» پخش می شد، محمد شحرور - که از او به عنوان اندیشمند یاد می شود - در برابر دوربین آمد تا روش خود را در فهم قرآن ارائه دهد. در حالی که شایسته تر آن بود که این قسمت را «چگونه قرآن را تحریف کنیم» بنامند! در این متن مروری سریع خواهم داشت بر روش شناسی شحرور و فساد آن، همراه با بیان تفسیر او از یکی از آیات، تا برای خواننده روشن شود که با شخصیتی روبه روست که در برابر ارزش های سکولار معاصر تسلیم محض است و تمام تلاش خود را در راستای تطبیق آیات قرآن با این ارزش ها از طریق تحریف و دگرگون سازی مفاهیم آیات به کار برده است.

خلاصه‌ای از روش شحرور

شحرور معتقد است که قرآن پیامی جهانی است، و منظورش از این سخن آن است که باید با همه ملت‌ها، مانند ژاپنی‌ها و آمریکایی‌ها، سازگار باشد. او همچنین می‌گوید که قرآن پیام نهایی است و باید با همه تحولات هم‌خوانی داشته باشد. اما به جای آن که از خود قرآن، مفاهیم، ارزش‌ها و احکام را استخراج کند و آن را مستقل از ارزش‌های سکولار معاصر بفهمد، روشی معکوس درپیش گرفته است: قرآن را تابع ارزش‌های معاصر سکولار می‌سازد و با تحریف و کش آوردن مفاهیم آیات، تلاش می‌کند آن‌ها را با این ارزش‌ها هماهنگ کند.

معیار اصلی او در تفسیر آیات، فقط «ریشه لغوی» واژه‌هاست. بنابراین هرگاه می‌خواهد واژه‌ای را تفسیر کند، به سراغ لغت‌نامه‌ها می‌رود تا معنایی را بیابد که بیش‌تر با ارزش‌های معاصر هم‌خوان باشد! این خلاصه روش اوست.

مثالی عملی از آیه‌ای در سورة آل عمران

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

شحرور این روش را در تفسیر این آیه به کار می گیرد: **فَزَيَّنَ لِلنَّاسِ حُبَّ**

الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ

الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛

[آل عمران: ۱۴] (دلبستگی به خواستنی های [مادی]، از [جمله] زنان و فرزندان

و اموال هنگفت. از طلا و نقره و اسب های نشاندار و دام ها و کشتزار [ها]. برای

مردم آراسته شده است. [اما تمام] این [ها، لذت ها و] کالای [زودگذر] زندگی

دنیاست و [حال آنکه] سرانجام نیک، نزد الله است).

او می گوید که این آیه درباره «متاع» سخن می گوید، یعنی اشیاء و نیازها، نه

موجودات عاقل. بنابراین انکار می کند که «النساء» به معنای جمع «امراة»

(زن) باشد، و ادعا می کند که «نساء» در اینجا جمع «نساء» به معنای تأخیر

است! بنابراین معنای آیه از نگاه او می شود: «اشیای به تأخیر افتاده» یا همان

چیزهای جدید و مد روزی که مورد علاقه مردم هستند!

شحرور مدعی است که این آیه خبری درباره همه انسان ها است، نه فقط

عرب ها، و چون خبر خداوند باید درست باشد، باید با وضعیت امروز جهان

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

مطابقت داشته باشد. و چون «چیز جدید» نزد همه مردم دنیا محبوب است، پس «نساء» باید به معنای «اشیای جدید» باشد، نه زنان!

با چنین تحریف آشکاری، شحرور معنای آیات را زیر و رو می کند. این تفسیر به قدری ساختگی و بی پایه است که بیش تر مایه خنده است تا نمونه ای از تحقیق علمی. با این حال، لازم می دانم برای کسانی که به روش شحرور دل بسته اند، فساد این شیوه و بی پایگی آن را نشان دهم، چرا که این روش اساساً مبتنی بر نوعی شکست فکری در برابر فرهنگ سکولار معاصر است و هیچ نسبتی با روش علمی در فهم قرآن ندارد.

شکست باوری در اندیشه محمد شحرور

شحرور در چند گفتگو اذعان کرده است که انگیزه اش برای مطالعه قرآن، واکنشی به شکست ارتش های عربی در برابر رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۹۶۷ (معروف به جنگ شش روزه) بود. از همین جا می توان روحیه شکست خورده ای را که محمد شحرور با آن به سراغ کتاب خدا رفته، به خوبی درک کرد.

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

روش او این است که ابتدا به ارزش‌های دنیای امروز نگاه می‌کند و سپس تلاش می‌کند بگوید که ارزش‌های قرآن با آن‌ها منافاتی ندارد. برای آن‌که ما جزئی از تمدن امروز به‌شمار آییم، باید مفاهیم قرآن را تغییر داده و آن‌ها را مطابق با ارزش‌های جهانی امروز تفسیر کنیم.

او روزی در صفحه فیسبوکش نوشت: «بنابر حاکمیت الهی: حرام مشخص است. محرمات محدود، معین، تفصیل یافته و ابدی‌اند، یعنی اجتهاد در آن‌ها جایز نیست. و این محرمات در اغلب کشورهای جهان محترم شمرده می‌شوند». در اینجا آشکارا دچار مغالطه شده است، چراکه همه می‌دانند محرمات اسلام حتی در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز زیر پا گذاشته می‌شوند، چه برسد به سایر کشورها! اما نکته اصلی این است که شحرور همواره تلاش دارد نشان دهد آنچه قرآن می‌گوید با ارزش‌های جهان امروز هماهنگ است.

در نمونه‌ای دیگر، در پاسخ به پرسشی در وبسایت خود، درباره آیه **وَالسَّارِقُ** و **وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ** {مائده: ۳۸} (دست

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

مرد و زن دزد را به سزای عملی که مرتکب شده اند، به عنوان مجازاتی از جانب الله قطع کنید) می گوید: «نکال به معنای بازدارندگی است، و چون درآیه واژه «أیدیهما» (دست هایشان) به صورت جمع آمده، نه «یداهما» (دو دستشان)، منظور از آن، بازداشتن دست های آنها از تجاوز به جامعه است، نه قطع واقعی. نوع مجازات را نهادهای قانون گذاری مشخص می کنند، و حداکثر آن می تواند حبس ابد باشد. ضمن آن که «سارق» اسم فاعل است، یعنی کسی که شغلش دزدی است، نه کسی که یک بار دزدی کرده است. و این قانون در آمریکا هم اجرا می شود.»

او با چرخاندن دل بخواهی معنای نصوص، حکم قطعی و اجماعی شریعت درباره دزدی را باطل می سازد تا آن را با قوانین کشورهای غربی (مثل آمریکا) هماهنگ جلوه دهد، و در این میان مهم ترین نکته برای او این است که: «این قانون در آمریکا اجرا می شود!»

در تفسیر آیه پیشین سوره آل عمران **رُزِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ** **وَالْبَنِينَ** {آل عمران: ۱۴} (دل بستگی به خواستنی های [مادی] از [جمله] زنان و

فرزندان برای مردم آراسته شده است) شحرور بار دیگر گرفتار همان رویکرد شکست خورده اش شده است. او کاملاً از دیدگاه لیبرالی رایج نسبت به زن در دنیای امروز آگاه است (اگرچه واقعیت با این ادعاها تفاوت دارد)، و نمی خواهد اسلام را دینی نشان دهد که زن را در شمار شهوت های آراسته برای انسان ها معرفی کند. زیرا در این آیه «الناس» یعنی همه مردم، چه زن و چه مرد؛ پس برابری چه می شود؟! از نگاه تفکر لیبرال مدافع حقوق زنان (به زعم خودشان)، اینکه زن «شهوت» باشد، امری مردود است! از این رو، تحریف شحرور در تفسیر آیه **﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾** (البقرة: ۲۲۳) (زنان شما، [در حُکم] کشتزاری برای شما هستند؛ پس هر گونه که می خواهید به کشتزار [رَحِمِ همسر] خود درآیید) نیز قابل فهم می شود؛ او به تکرار می گوید که مراد از «نساء» در این آیه، جمع «امراة» (زن) نیست، بلکه منظور از «حرث» همان «دستاورد» است و بنابراین مقصود «اشیای جدید» است که برای شما سودمند هستند! سپس، بعد از این همه سخنان بی پایه، می گوید که یکی از قواعد او در فهم آیات آن است که «هیچ متن زبانی

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

فهمیده نمی شود، مگر بر اساس آنچه عقل اقتضا می کند! حال باید ببینیم که عقل شحرور چه می گوید و چه مغالطاتی را مرتکب می شود تا به این تحریف برسد.

مغالطه ها

نخست: با این روش، شحرور قرآن را از محتوای تأثیرگذار و اصلاح گر آن تهی می سازد و آن را تابعی از قراردادهای و توافقی های بشری در هر دوران قرار می دهد. او کتاب خدا را صرفاً گزارشگری از وضع موجود بشر تلقی می کند. بنابراین، هر بار که ارزش های روزگار تغییر کند، باید باز به جستجو در قرآن پرداخته، آیات را به زحمت تفسیر کرد و در ریشه های لغوی کندوکاو نمود تا معنایی مطابق با ارزش های جدید یافت! اما این روش مردود است؛ چراکه اصل در قرآن آن است که کتابی است که بشر را از مسیر انحرافی باز می گرداند و به راه مستقیم هدایت می کند، چنان که فرمود: **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** [اسراء: ۹] (به راستی که این قرآن به استوارترین راه هدایت

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

می کند). پس چه عقلی است که قرآن را تابع افکار بشر و وضعیت زندگی آنان قرار می دهد؟!

دوم: اصل در فهم واژگان قرآنی آن است که معنای اصطلاحی و شرعی مقدم بر معنای عرفی استعمالی است، و آن نیز مقدم بر معنای لغوی مجرد است. مثلاً واژه «دابة» در زبان عربی به هر جنبنده‌ای اطلاق می‌شود، اما در عرف رایج بیشتر بر حیوانات سواری گفته می‌شود. در قرآن اما آمده: **﴿أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ﴾** [نمل: ۸۲] (جنبنده‌ای را برایشان از زمین بیرون می‌آوریم که با آنان [در این مورد] سخن بگوید) و این دابة، طبق سنت نبوی، یکی از نشانه‌های قیامت است، و احادیث صحیح فراوانی در این زمینه وارد شده است. آیا می‌توان در اینجا تنها به معنای لغوی چسبید و گفت مقصود هر جنبنده‌ای است؟! یا مثلاً «صلاة» در زبان به معنای دعا یا رحمت است، اما در قرآن وقتی فرموده **﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾** آیا می‌توان گفت یعنی فقط دعا کنید؟! کسی که نگاهی به فرهنگ‌نامه‌های عربی بیفکند، خواهد دید که بسیاری از واژگان معانی متعددی دارند، و این می‌تواند راه را برای تفسیرهای

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

دل‌بخواهی و گزینش معنای هماهنگ با هوای نفس - همانند کاری که شحرور می‌کند - بازبگذارد. راه جلوگیری از این انحراف، همان روشی است که توضیح دادیم؛ روشی که قرآن را از زمینه نزولش جدا نمی‌کند و ما را به نکته سوم می‌رساند.

سوم: شحرور با قرآن همچون متنی مجرد و جدا از هرگونه زمینه اجتماعی و تاریخی برخورد می‌کند، در حالی که حقیقت آن است که قرآن بیانگر «زندگی» است و بدون شناخت زمینه نزول آن قابل فهم نیست. یکی از امتیازات اسلام این است که خداوند قرآن را همراه با ابزار تبیین آن (سنت پیامبر ﷺ) و همراه با زمینه اجتماعی‌ای که در آن نازل شده، حفظ کرده است. ما با قرآن همانند یک متن اسرارآمیز هیروگلیفی (خط تصویری مصر باستان) که تصادفاً کشف شده، برخورد نمی‌کنیم! از این رو، شحرور با نادیده گرفتن سنت نبوی، اجماع صحابه، و علمای نخستین و زندگی اسلامی‌ای که با قرآن زیست، جنایتی علمی مرتکب شده است و می‌خواهد «اسلامی نو» بسازد که نه صحابه می‌شناسند، نه تابعین و نه علمای بعدی! من این نکته را در یادداشتی با

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

عنوان «تنها قرآن کافی نیست» به تفصیل شرح داده‌ام؛ هر که خواست می‌تواند بدان رجوع کند. آنجا توضیح داده‌ام که بدون سنت، فهم قرآن ممکن نیست. خطر اصلی این رویکرد آن است که قرآن را متنی پیچیده و بی‌زمینه اجتماعی می‌پندارد و مدعی است که امت اسلامی، طی چهارده قرن - از جمله صحابه‌ای که قرآن میان آن‌ها نازل شد - آن را نفهمیدند!

چهارم: شحرور «متاع» در آیه آل عمران را به «اشیا» تفسیر کرده و نتیجه گرفته که چون اشیا غیر عاقل هستند، پس نمی‌توان «نساء» را جمع «امراة» دانست. اما سؤال این است که پس «بنین» (فرزندان) چه می‌شود؟! همچنین، واژه متاع، صرفاً به اشیا محدود نمی‌شود بلکه به هر آنچه مورد استفاده و بهره‌مندی قرار گیرد اطلاق می‌شود، مانند فرموده خداوند: **أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ** **وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ** {قصص: ۶۱} (آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، همچون کسی است که او را از بهره زندگی دنیا برخوردار ساخته‌ایم و روز قیامت از [جمله] احضار شدگان [در آتش دوزخ] است؟). و این واژه معمولاً

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

در سیاقی به کار می رود که به زندگی دنیا مربوط است. بهره بردن می تواند هم شامل اشیای بی جان باشد و هم انسان ها، چنان که در قرآن آمده: **فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ** [نساء: ۲۴] (پس آن زنانی را که [به ازدواج درآوردید و] از آنان کام گرفتید، باید مهریه شان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید). پس خود قرآن برای ردّ ادعای شحرور کافی است که می گوید متاع تنها به اشیای غیر عاقل گفته می شود. به ویژه اگر حدیث رسول خدا ﷺ را بخوانیم که فرمود: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ» (دنیا متاع است و بهترین متاع دنیا زن نیکوکار است) [به روایت مسلم. این حدیث با با الفاظ دیگر نزد دیگران نیز نقل شده است]. آیا علمای لغت و فقه و حدیث طی قرون نفهمیدند که متاع نمی تواند شامل زن شود چون او موجودی عاقل است، و فقط شحرور این راز را کشف کرد؟! اساساً چه اشکالی دارد که زن و مرد از یکدیگر بهره مند شوند و از زندگی مشترک لذت ببرند؟!

پنجم: شحرور می گوید «اشیای جدید» موضوعی است که همه مردم جهان در آن مشترکند، و به همین دلیل این معنا را ترجیح داده و منکر آن شده که

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

مراد از «نساء» در آیه، زنان باشند. اما آیا محبت به زنان فقط در میان عرب‌هاست یا در میان همه ملت‌ها نیز رایج است؟! پس چرا او از معنای آشکار آیه فرار کرده و معنایی عجیب و غریب را به جایش نشانده، در حالی که همین محبت به زنان نیز در میان همه ملت‌ها مشترک است؟!

ششم: شحرور گفته است که واژه «الناس» در آیه **{زَيْنَ النَّاسِ}** شامل هر دو جنس، مرد و زن، می‌شود؛ پس زنان نیز امور نو و تازه را دوست دارند. بنابراین، مقصود از «النساء» در آیه، چیزهای تازه‌ای است که هم مردان و هم زنان به آن علاقه‌مندند.

اما حقیقت آن است که در خطاب‌های قرآنی، بسیار اتفاق می‌افتد که مردان مورد خطاب قرار می‌گیرند در حالی که مقصود از آن، هر دو جنس است. مانند فرمایش خداوند متعال:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

مِّنْكُمْ مَّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا {نساء: ۴۳} (ای کسانی

که ایمان آورده اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می گوئید و [همچنین] هنگامی که جُنُب هستید، تا غسل نکرده اید، به نماز [و مسجد] نزدیک نشوید مگر آنکه رهگذر باشید؛ و اگر بیمار یا مسافر بودید یا یکی از شما از مکان قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کردید و [برای وضو یا غسل] آب نیافته اید، پس [باید] با خاکی پاک تیمم کنید؛ [به این روش که] چهره و دست هایتان را [با خاک] مسح نمایید. بی گمان، الله بخشاینده آمرزگار است).

روشن است که احکام این آیه، هم مردان و هم زنان را شامل می شود، و این که در آیه آمده: **{أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ}** (یا با زنان آمیزش کردید) سبب نمی شود که گمان کنیم خطاب آیه تنها به مردان اختصاص دارد؛ همان گونه که تعبیر **{حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ}** نیز به معنای اختصاص خطاب آیه به مردان نیست. چه بسا ذکر زنان در سیاق شهوت ها به این دلیل باشد که فتنه

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

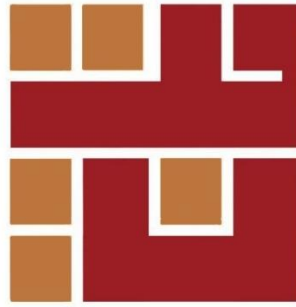
آنان برای مردان شدیدتر است، چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «پس از خود، فتنه‌ای را که برای مردان زیان‌بارتر از زنان باشد، باقی نگذاشته‌ام» [به روایت بخاری].

در این مقاله فساد روش گزینشی شحرور و ناسازگاری آن با روش علمی در فهم قرآن را روشن ساختیم و این فساد به روشنی هنگام تطبیق این روش بر یکی از آیات کتاب خدا آشکار شد. این نوشته پیامی است برای هر کسی که گمان می‌برد شحرور بر چیزی از حق است، در حالی که روش او پیروی از هواست و مشمول این سخن خداوند می‌شود: **مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ** [نساء: ۴۶] (برخی از یهود، کلمات [الله] را از جای خود تحریف می‌کنند). امام بیضاوی در تفسیر این آیه می‌گوید: «یعنی آن را از جایگاهی که خداوند برایش قرار داده، با بیرون کشیدنش از آن موضع و گذاشتن غیر آن به جایش منحرف می‌سازند. یا آن را طبق خواسته‌های خود تأویل می‌کنند، و بدین‌سان از آنچه خداوند در آن نازل کرده منحرف می‌سازند».

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |

پس این روش، دری به سوی تحریف کتاب خدا و از کار انداختن تأثیر آیات آن گشوده است، و قرآن را که کتابی هدایت‌گر و تغییر آفرین است، از این محتوا تهی کرده و تابع قراردادهای و توافقی‌های بشری می‌سازد، آن‌هم در عصری که از هدایت وحی بسیار دور شده است؛ عصری که در آن انحراف بشریت به حدی رسیده که از همجنس‌گرایی و زنا دفاع می‌کند، با عفاف می‌ستیزد، و آن را تاریکی، جهل و عقب‌ماندگی می‌نامد! با این حال چگونه ممکن است ارزش‌های رایج در چنین عصری، مرجعی برای فهم قرآن قرار گیرد؟!

محمد شحرور چگونه قرآن را تحریف می کند؟ |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies